

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» در حقوق ایران، با رویکردی بر فقه اسلامی<sup>۱</sup>

محمدحسین دانشفر<sup>۲</sup>

مسعود حیدری<sup>۳</sup>

محمود الممیر<sup>۴</sup>

محمود اشرافی<sup>۵</sup>

### چکیده

خودکشی متضاد با فطرت بوده و در اسلام به صورت مؤکد مورد نهی و وعید قرار گرفته است. سؤال اصلی پژوهش امکان تعیین مجازات تعزیری برای فرد اقدام‌کننده به خودکشی ناموفق بر اساس قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» است. در قانون، تنها به مجازات تعزیری معاونت به خودکشی از طریق ابزار رسانه‌ای و مخابراتی پرداخته شده است و مجازات حبس از ۹۱ روز تا ۱ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات را برای فرد خاطی در نظر گرفته لذا با توجه به عدم جرم‌انگاری آن در قانون مجازات اسلامی و بر اساس ماده ۱ ق.م.ا و اصول بیستم و بیست‌ودوم و سی و چهارم قانون اساسی تعیین مجازات خودکشی بر اساس قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» امکان‌پذیر است، بنابراین با بررسی این مسئله در فقه مذاهب خمس می‌توان مجازات تعزیری مناسب با توجه به فرد و عمل انجام شده تعیین نمود. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته و دریافته است که افراد را بر اساس عمل ارتكابی به مجازات‌های تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مناسب همچون؛ نصیحت به وسیله قاضی دادگاه، اخطار و تذکر یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم، حبس تعزیری، تنبیه بدنی و... محکوم نمود.

**واژگان کلیدی:** خودکشی، مجازات، قاعده التعزیر لکل عمل حرام، فقه، حقوق.

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۸ آبان ۱۳۹۹، تاریخ پذیرش: ۲۶ اسفند ۱۳۹۹.

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترا حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، (نویسنده مسئول)

<sup>۴</sup> دانشیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

<sup>۵</sup> دانشیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

[masoud\\_heidari2@yahoo.com](mailto:masoud_heidari2@yahoo.com)

[dr.malmir1@gmail.com](mailto:dr.malmir1@gmail.com)

[mahmood.ashrafy@yahoo.com](mailto:mahmood.ashrafy@yahoo.com)



### مقدمه

خودکشی، عملی غیرعاقلانه و کاملاً متضاد با فطرت بشر و در تضاد کامل با منافع حیات بشری است که گاهی از سوی برخی انسان‌ها به دلیل ناتوانی در حل برخی مشکلات، بن بست‌ها، ناراحتی‌ها و... سر می‌زند. در دین مبین اسلام بر اساس ادله قرآن و روایات از این عمل به صورت تأکیدی نهی شده و برای آن مجازات آخروی به صورت حداکثری یعنی جاودانه بودن در آتش جهنم در نظر گرفته شده است. اما در مورد حکم دنیوی، اشخاصی که اقدام به خودکشی می‌نمایند (و این اقدام غیرموفق یا از نوع خودکشی ناموفق یا از نوع خودکشی کمکی یا مرگیاری است)، فقه و قانون مکلف‌اند تا تکلیف چنین افرادی را تعیین کنند و طبیعتاً عدم حکم در این مورد با جامعیت دین و قانون الهی در تضاد خواهد بود. با توجه به این مسئله و تتبع صورت گرفته در منابع فقهی و حقوقی، مشاهده می‌شود که در اینگونه منابع و در حوزه عمل خودکشی مسأله به صورت جرم‌انگاری مطرح نشده است و به همین دلیل برای این عمل و معاونت در آن مجازاتی تعیین نگردیده است. از نظر پیشینه‌ی بحث، چندین پژوهش در زمینه خودکشی و مجازات قانونی انجام شده است، تحقیقاتی نظیر: اتانازی؛ مشروع یا غیرقانونی؛ بررسی تطبیقی اتانازی در حقوق ایران و هلند، موسوی، زهرا؛ صفائی تبار، حامد (۱۳۹۴)، بررسی خودکشی از دیدگاه فقه جزایی و حقوق ایران، امامی، سعید؛ حیدری نژاد، نصراله (۱۳۹۸)، معاونت در خودکشی با نگاهی به قوانین موضوعه ایران، رهبر پور، علی؛ تقوی، عباس (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی خودکشی مساعدت شده پزشکی در حقوق ایران، انگلستان و آمریکا، صادقی حسین، میرمحمد؛ ایزدیار، علی (۱۳۹۳)، و... وجه افتراق پژوهش حاضر با موارد مذکور، بررسی امکان سنجی تعیین مجازات خودکشی بر اساس قاعده فقهی التعزیر لکل عمل حرام در منابع و ادله فقهی به صورت تطبیق با قوانین حقوقی است که از دیدگاه پژوهش‌های مشابه مغفول مانده است. با توجه به آنکه خودکشی در فقه مذاهب خمس از گناهان کبیره بوده و عملی حرام محسوب می‌شود و بر اساس قاعده فقهی «التعزیر لکل عمل حرام» برای هر عمل حرامی تعزیر و مجازاتی در نظر گرفته شده است طبیعتاً تعیین تکلیف این وضعیت و حکم شرعی آن ضروری و دارای جایگاه حقوقی در مباحث کیفری خواهد بود. سؤال اصلی پژوهش امکان تعیین مجازات تعزیری برای فرد اقدام کننده به خودکشی ناموفق بر اساس قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» است، که بر اساس آن سوالاتی نظیر: نوع مجازات برای اقدام به خودکشی از نگاه فقه؟ و چگونگی مجازات برای فرد اقدام کننده به خودکشی از منظر قانون؟ قابل طرح است. از فرضیات بحث می‌توان به جامعیت فقه اسلامی با استناد بر جاودانگی دین مبین اسلام و تعیین راهکارهای استنباطی با تکیه بر نص قرآن و روایات در مسائل مستحدثه اشاره کرد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است.

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التنزیه لیل علی حرام» در حقوق ایران، با رویکردی بر فقه اسلامی / ۸۶

### (۱) مفاهیم

در ابتدا به تبیین مفاهیمی همچون مفهوم خودکشی، علل خودکشی، مفهوم تعزیر و قاعده التعزیر لکل عمل حرام، پرداخته خواهد شد.

#### (۱-۱) خودکشی

خودکشی به معنای خود را به وسیله‌ای کشتن یا انتحار کردن است (معین، ۱۳۸۷: ذیل واژه خودکشی؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه خودکشی، عمید، ۱۳۶۳: ذیل واژه خودکشی). در تعریفی خودکشی عبارت است از هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم کردار مثبت یا منفی خود قربانی است که می‌دانسته است که می‌بایست چنان نتیجه‌ای به بار آورد (دورکیم، ۱۳۷۸: ۶). در تعریف دیگر اقدام عمدی شخص که نتیجه آن مرگ فرد به دلایل روحی-روانی و اختلالات روانی از جمله: افسردگی، شکست عشقی، اسکیزوفرنی، اختلال دوقطبی، اعتیاد به الکل یا سوء مصرف دارو، نامیدی، اعتیاد به مواد مخدر، سرشکستگی اجتماعی و...، خودکشی است (Hawton K, 2009: 1372-81). در تعریف دیگر خودکشی به معنای تلاش آگاهانه شخص به منظور پایان دادن به زندگی خویش که ممکن است عملی شده یا به عنوان یک حس در شخص باقی باشد (Kilgus M, 2019: 50-101). سازمان بهداشت جهانی در تعریف خودکشی آورده است: عملی که در آن شخص عامدانه و به غیر از دخالت دیگران رفتار غیرعادی مثل خوردن دارو بیش از میزان تجویز یا خودزنی با هدف آسیب به جان خود و ایجاد تغییرات مورد انتظارش است.<sup>۶</sup> در مورد اینکه کدام تعریف کامل‌تر است اختلاف وجود دارد اما مفهوم همه آنها به آسیب به خود و قصد از میان بردن به دلیل تمایل به رهایی از وضعیت موجود خود است. خودکشی در تقسیم بندی به چهار دسته تقسیم می‌شود: الف) خودکشی موفق: به عملی که در آن فرد موفق به گرفتن جان خود می‌شود (Stedman's medical dictionary, 2006). ب) خودکشی ناموفق: عمل غیرکشنده شخص که نوعی آسیب به خود به منظور پایان دادن به زندگی است، اما هدف در آن محقق نمی‌شود (Krug, 2002: 185). ج) خودکشی کمکی: کمک کردن فرد به طور غیرمستقیم به شخص دیگر جهت تسهیل مرگ خود که از طریق ارائه مشاوره یا تهیه ابزار صورت می‌پذیرد (Gullota, 2002: 1112). د) مرگ یاری: در این نوع خودکشی فرد بیمار روانی از دیگری می‌خواهد تا در مرگ وی، او را یاری دهد و در روند خودکشی تسریع کند (Gullota, 2002: 1112).

<sup>۶</sup> World Health Organization.

## ۲-۱) علل خودکشی

در تقسیم‌بندی علل خودکشی می‌توان عوامل خطرزای خودکشی را به پنج دسته تقسیم نمود:

۱) عوامل جمعیت‌شناختی شامل سن و جنس: در بسیاری از کشورها خودکشی دو قله سنی دارد از سنین ۱۵ تا ۲۴ سالگی و در سالمندی و در مورد جنس میزان خودکشی در مردان بیش از زنان است (پناغی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵).

۲) خودکشی‌گرایی فعلی یا قبلی: سابقه اقدام به خودکشی، وجود فعلی افکار و قصد خودکشی یا برنامه‌ریزی برای خودکشی، در واقع ۵۰ درصد کسانی که بر اثر خودکشی می‌میرند سابقه خودکشی داشته‌اند (پناغی و غلامرضایی، ۱۳۹۰: ۴۳).

۳) وجود اختلالات و علائم روانپزشکی: در واقع ۹۰ درصد افرادی که با خودکشی به زندگی خود خاتمه داده‌اند، دارای اختلالات روانی بوده‌اند. از مصادیق این اختلالات می‌توان به مواردی نظیر: اختلالات خلقی، سایکوتیک اضطرابی (نوعی بیماری روانی که فرد از واقعیات فرار می‌کند)، سوء مصرف الکل و مواد مخدر، افسردگی، حملات هراس، ناامیدی، توهّمات دستور دهنده، تکانشی بودن، تهاجمی بودن، لذت نبردن، دیسفوریا، نداشتن عزت نفس، تحریک‌پذیری، خشونت نسبت به دیگران و... اشاره کرد.

۴) وجود تاریخچه شخصی مثل سابقه بیماری‌های طبی، خانوادگی، تاریخچه روانی-اجتماعی و نورویبولوژی.

۵) وجود اختلالات شخصیت، مانند: بیکاری، بدکارکردی خانواده، ازدست دادن عزیزان، تعارضات فردی و... (پناغی و غلامرضایی، ۱۳۹۰: ۴۳). پس در تحقق فعل خودکشی عواملی نظیر: علل جمعیت‌شناختی (سن و جنس)، خودکشی‌گرایی فعلی یا قبلی، اختلالات روانپزشکی، سابقه بیماری طبی، خانوادگی... و اختلالات شخصیت، دخیل هستند.

## ۳-۱) مفهوم تعزیر

بررسی مفهوم تعزیر در لغت و اصطلاح جهت اعمال مفهوم آن در قاعده ضروری است.

### ۱-۳-۱) تعزیر در لغت

لغت‌شناسان همگی تعزیر را از ریشه «عزر» دانسته و برای آن معنا یا معانی مختلفی بیان کرده‌اند. برخی همه معانی را به یک اصل برگردانده‌اند و برخی دیگر معانی متعددی برای آن برشمرده‌اند؛ تعزیر یاری و نصرت همراه با احترام است و معنای دیگر آن مجازات کمتر از حدود شرعی است، البته معنای دوم به معنای اول باز می‌گردد، زیرا آن نیز تأدیب همراه با نوعی نصرت و یاری است. در معنای اول کمک با

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التعزیرُ لِحُلِّ عَمَلِ حَرَامٍ» در حقوق ایران، با رویکردی برنخه اسلامی / ۸۸

قطع آنچه او را می‌آزارد، و در معنی دوم با قطع آزار او از مردم، به کمکش می‌آییم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۹۵/۲). علامه مصطفوی پس از نقل کلمات عده‌ای از صاحب نظران علم لغت می‌گوید: «معنای اصلی ریشه تعزیر، دفاع به همراه تقویت نمودن است و سایر معانی به همین معنی باز می‌گردد و از لوازم آن شمرده می‌شود و یا معنای حقیقی نیست و اما تعزیر و تأدیب از روشن‌ترین مصادیق تقویت و دفاع است. زیرا از مجرم در مقابل جرم، دفاع می‌شود و او را به کمال هدایت می‌کند و از تکرار جرم باز می‌دارد» (مصطفوی، ۱۴۰۸ق: ۸/۱۰۸). صاحب کتاب العین می‌نویسد: «تعزیر به معنای شلاق‌های کمتر از حد است و نیز به معنای نصرت و یاری رساندن است» (فراهیدی، بی‌تا: ۳۵۱/۱). در جایی دیگر درباره معنای تعزیر می‌خوانیم: «ضربی که کمتر از حد باشد و یا سخت‌ترین ضرب را گویند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۴/۲) یا «به معنای گوشمالی دادن و ادب کردن» (معین، ۱۳۸۷: ۳۴۶) و یا دارای سه معنای: «۱- نکوهش، ملامت و سرزنش؛ ۲- ادب کردن؛ ۳- چوب زدن» است (عمید، ۱۳۶۳: ۲۸۵). و در مواردی در معنای عقاب (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۷/۲) و عقوبت (اقبال، ۱۹۹۳م: ۲۵) تبیین شده است. از تعاریف اهل لغت و واژه‌شناسان، اموری قابل اصطیاد است:

الف) لغوین در تفسیر کلمه تعزیر بر سه دسته تقسیم می‌شوند: اول - کسانی که معتقدند معنای اصلی تعزیر یک چیز است؛ (نصرت، یا منع، یا تأدیب، یا چیز دیگر) و معانی دیگر را به همان ریشه باز می‌گردانند. دوم - عده‌ای دیگر بر این اعتقادند که کلمه مذکور معنای جامعی دارد، که شامل تمام معانی دیگر می‌شود، که اصطلاحاً مشترک معنوی گفته می‌شود. سوم - گروهی نیز مشترک لفظی را پذیرفته و معتقدند این لفظ دارای معانی متعددی می‌باشد.

ب) معانی متفاوتی که برای واژه تعزیر گفته شد، از جهتی به دو دسته تقسیم می‌شود: اول - معانی مثبت؛ مثل تعظیم، تفخیم، نصرت، توقیر و مانند آن. دوم - معانی منفی؛ مانند منع، تأدیب، ضرب، لوم و سرزنش، که جامع آنها منع است.

ج) منظور از تعزیر در این مباحث، معانی منفی آن است و به عبارت دیگر، کلمه مذکور در نزد فقها در معانی منفی آن به کار می‌رود، نه معانی مثبت. بنابراین در این مباحث، معانی مثبت آن مورد بحث ما نیست. د) از کلمات بزرگان اهل لغت استفاده شد که هر کاری که مجرم را از جرم باز دارد تعزیر نامیده می‌شود، و هرگز منحصر به شلاق نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۳).

### ۲-۳-۱) تعزیر در اصطلاح

مفهوم تعزیر در اصطلاح قرآن، روایات و نزد فقها طرح گردیده است.

### ۱-۲-۳-۱) مفهوم تعزیر در قرآن

در قرآن واژه‌ی تعزیر سه بار به معنای لغوی یعنی «النصرة مع التعظیم: یاری کردن همراه با احترام» به کار رفته است؛

اول) سوره مائده آیه ۱۲۷؛ در این آیه «عَزَّرْتُمُوهُمْ» از «عَزَّرَ»، به معنای یاری کردن همراه با احترام است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲/ ۲۵۴). «تعزیر همان نصرت است، البته نصرت توأم با تعظیم» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/ ۳۹۰؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ق: ۲/ ۳۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/ ۳۱۰).

دوم) سوره اعراف آیه ۱۵۷<sup>۸</sup> در تفسیر آیه آمده است: «عَزَّرُوهُ» از «تعزیر» به معنای حمایت با شمشیر است و مراد کسانی هستند که پیامبر اسلام را در جبهه‌ها یاری می‌کردند» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳/ ۱۹۱؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ق: ۳/ ۳۳۳).

سوم) سوره فتح آیه ۹<sup>۹</sup> در تفسیر این آیه آمده است: «عزروه» از ماده "تعزیر" در اصل به معنی "منع" است، سپس به هرگونه دفاع و نصرت و یاری کردن در مقابل دشمنان اطلاق شده است، به بعضی از مجازات‌هایی که مانع از گناه می‌شود نیز "تعزیر" می‌گویند. توقروه از ماده "توقیر" از ریشه "وقر" به معنی سنگینی است، بنابراین "توقیر" در اینجا به معنی تعظیم و بزرگداشت است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/ ۴۲). «"تعزیر" که مصدر "تعزروه" است - به طوری که گفته‌اند - به معنای نصرت است و "توقیر" که مصدر "توقروه" است به معنای تعظیم است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/ ۴۰۸).

بر این اساس تعزیر در قرآن می‌تواند دارای معانی‌ای مانند نظیر: یاری همراه با احترام، حمایت، نصرت و با کاربردهایی نظیر مانع از گناه یا تعظیم است.

### ۱-۲-۳-۲) مفهوم تعزیر در روایات

تعزیرات در روایات به هفت دسته تقسیم می‌شوند:

۱) روایاتی که تنها اشخاص را مستحق تعزیر می‌دانند بدون ذکر میزان تعزیر مانند موارد ذیل؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «اگر مردی به دیگری بگوید: ای گوشت خوک خور و ای شراب خور، کمتر از حد تعزیر می‌شود» (اشعث کوفی، بی‌تا: ۱۳۵). امام علی (ع) می‌فرماید: «درباره‌ی کسی که در انظار عمومی و

<sup>۷</sup> «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ...».

<sup>۸</sup> «...وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

<sup>۹</sup> «لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَنَعَزَّرُوهُ وَتَوَقَّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا».

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التَّعْزِيرُ لِكُلِّ عَمَلٍ حَرَامٍ» در حقوق ایران، با رویکردی بر فقه اسلامی / ۹۰

آشکارا دست به چپاول می‌زند، مجازات قطع ید جاری نمی‌شود؛ ولی چنین شخصی را تعزیر می‌کنم» (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۲۱۶/۱۶). عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق (ع) درباره‌ی مجازات کودکی که دزدی نموده، سؤال پرسیدند و ایشان فرمودند: «تا دو بار بخشیده می‌شود؛ اما بار سوم تعزیر می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۹۳/۲۸). حلبی از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «اگر کودکی دزدی کرد، بخشیده می‌شود؛ اما اگر تکرار نمود، تعزیر می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۹۴/۲۸). در وسائل الشیعه درباره‌ی مجازات کسی که دیگری را دشنام دهد یا قذف کند آمده که مجازات تعزیر دارد. این مهم در روایات عبدالله بن سنان، ابی ولاد الحناط، عبدالرحمن بن ابی عبدالله، ابی حنیفه و اسحاق بن عمار نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰۲ و ۲۰۱/۲۸).

۲) مواردی که تعزیر در ضرب و جلد خلاصه شده و مجازات تعزیری را تنها در شلاق می‌دانند؛ روایت زید شحام از امام صادق (ع) که امام در مورد مرد و زنی که زیر یک پوشش یافت شوند، فرموده‌اند: «هر کدام صد تازیانه می‌خورند، منهای یک تازیانه» (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۷۸/۱۶). امام صادق (ع) در مورد دو زن یا دو مرد که زیر یک پوشش بخوابند، فرمودند: «مورد ضرب واقع می‌شوند. ولی پاسخ امام درباره صورت حد داشتن این ضرب، منفی است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۸۹/۲۸). حدیث ابن سنان از امام صادق (ع) در مورد دو مردی که زیر یک پوشش قرار داشتند، امام فرمودند: «هر دو فراتر از یک تازیانه مجازات می‌شوند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۸۹/۲۸). در همین زمینه می‌توان به احادیثی که درباره مجازات آمیزش زن و شوهر در ایام ماه مبارک رمضان و در حال حیض آمده است، رجوع نمود که در همه آن‌ها اعمال مجازات تعزیری را به صورت ضربه با تازیانه اعلام شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۷۷/۲۸). همچنین از امام کاظم (ع) در مورد مقدار تعزیر سؤال شد که ایشان فرمودند: بین ده تا بیست ضربه شلاق زده می‌شود (نوری طبرسی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۴/۱۸).

۳) روایاتی که حبس، جریمه و تبعید را تعزیر می‌دانند؛ روایت سماعه از امام صادق (ع) که امام در مورد آمیزش فردی با حیوانی، فرمودند: «می‌بایست به چیزی جز تازیانه حد بخورد، سپس به مکانی دیگر تبعید شود» (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۴۱/۶۳۹). روایت سکونی از امام صادق (ع) که قضاوت پیامبر اکرم (ص) درباره‌ی میوه دزد چینی بود: «آنچه را که خورده از بابت آن مسئولیتی ندارد و آنچه را که با خود برده، تعزیر شده و باید دو برابر قیمت آن را به عنوان غرامت بپردازد» (مروج جزائری، بی‌تا: ۵۵۹/۶).

۴) روایاتی که تنها برخی اعمال را موجب تعزیر می‌دانند؛

۱- نزدیکی با چهارپایان (حمیری، بی‌تا: ۵۰)؛ ۲- اگر به زن خود بگوید تو را باکره نیافتم (نوری، ۱۴۰۹ق: ۱۵/۴۴۴)؛ ۳- دو نفری که یکدیگر را قذف کنند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰۱/۲۸)؛ ۴- قذف اهل



ذمه(حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸ / ۲۰۰)؛ ۵- ارتکاب جرم حدی بوسیله نابالغ(حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸ / ۸۱)؛ ۶- توهین و افترا(کلینی، ۱۳۶۷: ۷ / ۲۴۲)؛ ۸- دزدی(آخوندی، بی تا: ۱۰ / ۱۱۴)؛ ۹- دزدی غنیمت و بیت المال(حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸ / ۲۸۹)؛ ۱۰- نبش قبر و کفن دزدی(طوسی، ۱۳۹۰: ۴ / ۲۴۶).

۵) روایاتی در باب تعزیر طفل و بنده به همراه میزان تعزیر؛ در حدیثی با سند معتبر از حریر از امام صادق(ع) نقل شده که فرمودند: اشکالی ندارد شخص محرم بنده خود را تا ده تازیانه تأدیب کند(حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۲ / ۵۶۴). در حدیثی حماد بن عثمان از امام صادق(ع) درباره تأدیب کودک و عبد سؤال نمود و ایشان فرمودند: پنج یا شش ضربه، با ارفاق به وی زده می شود(حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸ / ۳۷۲). در حدیثی از سکونی از امام صادق(ع)، کودکان لوح نوشته‌های خود را در مقابل امیرالمومنین افکندند تا یکی را برگزیند. حضرت فرمود: این کار، قضاوت است و ظلم در آن مانند ظلم در قضاوت است. به معلم خود بگویند اگر شما را بیش از سه ضربه تأدیب کند قصاص می‌شود(حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸ / ۳۷۲). زراره از امام صادق(ع) در مورد تأدیب برده سؤال کردند و ایشان فرمودند: آنچه را ناخواسته مرتکب می‌شود، مجازات ندارد ولی اگر نافرمانی کند، تأدیب اشکالی ندارد. و در مورد مقدار تأدیب فرمودند: سه یا چهار یا پنج ضربه(حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸ / ۳۷۳).

۶) روایاتی که از کلمه حد استفاده شده ولی منظور از آن تعزیر می‌باشد؛ محمد بن مسلم، طی پرسشی حکم مردی که در حال حیض با همسرش همبستر شده را از امام باقر(ع) پرسید و آن حضرت فرمودند: اگر در روزهای اوّلیّه عادت بوده یک دینار و چنانچه در روزهای پایانی بوده نصف دینار کفّاره دارد. عرض کردم: آیا علاوه بر کفّاره، مجازاتی نیز دارد؟ فرمود: بله، مجازات آن بیست و پنج تازیانه است؛ زیرا مرتکب کار حرامی شده است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸ / ۳۷۷).

۷) روایاتی که از کلمه تعزیر و حد استفاده نشده ولی الفاظ مترادف تعزیر(ادب، تأدیب، عذاب، تعذیب) به کار گرفته شده است؛ از امام صادق(ع) در مورد مرد مسلمانی که زوجه دیگری از اهل کتاب بدون اجازه همسر اوّل مسلمانش گرفته بود، سؤال شد و حضرت فرمودند: باید از همدیگر جدا شوند. عرض شد: آیا آن مرد مجازاتی دارد؟ فرمود: بله، مجازات او دوازده و نیم ضربه شلاق است<sup>۱۰</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۸ / ۱۵۱). ابویصیر از امام(ع) در مورد حکم رباخواری که با دلیل ثابت شده سؤال کردند و امام در پاسخ فرمودند: «یؤدّب، فان عاد اذّب فان عاد قتل»؛ تأدیب می‌شود، اگر مجدداً مرتکب رباخواری شد، دوباره تأدیب می‌گردد و چنانچه بار سوم تکرار کرد کشته می‌شود(حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۸ / ۱۶۶).

<sup>۱۰</sup> سألته عن رجل تزوّج ذمیّه علی مسلمّه و لم یستأمرها؟ قال: یفرّق بینهما. قال: قلت: فعلیه ادب؟ قال: نعم، اثنا عشر سوطا و نصف ...» به نقل منصور بن حازم، از راویان موثق و مورد اعتماد.

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التعزیرُ لِحُلِّ عَمَلِ حَرَامٍ» در حقوق ایران، با رویکردی بر فقه اسلامی / ۹۲

مردی خدمت حضرت امیرالمؤمنین رسید و از شخصی شکایت کرد که وی گمان دارد در خواب به سبب مادر من محتلم شده است، حکمش چیست؟ حضرت فرمود: خواب به منزله ی سایه است، اگر دوست داری سایه ی شخص را تازیانہ بزنی. سپس فرمود: من او را تأدیب می‌کنم، تا با چنین سخنانی برادران دینی‌اش را آزار ندهد<sup>۱۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹، ق: ۲۸/۲۱۱). دعائم الاسلام حدیث زیر را از امیرمؤمنان (ع) نقل می‌کند: «من نفی رجلا من آبیہ ضرب حدّ القاذف فاذا نفاہ من نسب قبیلته اذّب» اگر شخصی به دیگری بگوید: «تو فرزند پدرت نیستی» حدّ قذف (هشتاد تازیانہ) بر وی جاری می‌گردد. ولی اگر نسب قبیلہ‌اش را منکر شود، فقط تأدیب می‌شود (نوری، ۱۴۰۹، ق: ۱۸/۱۷۲). در حدیث دیگری در مورد شخصی که به دیگری توهین کرده، (ولی نه در حدّ استحقاق حدّ قذف)، چنین حکم شده: «ففی هذا کله الادب و لا یبلغ به الحدّ» در تمام این موارد مجرم تأدیب می‌شود و حدّ نمی‌خورد (نوری، ۱۴۰۹، ق: ۱۸/۱۷۳). مشاهده شد که تعزیر در روایات دارای معانی مختلفی است و بسته به نوع مورد یا موارد مختلفی احکام و عناوین متعددی در مورد مصادیق وارد شده به گونه‌ای که برخی بدون ذکر میزان تعزیر تنها اشخاص را مستحق تعزیر می‌دانند، تعدادی تعزیر را ضرب و جلد خلاصه نموده‌اند، بعضی حبس، جریمه و تبعید را تعزیر می‌دانند، پاره‌ای از آنها برخی اعمال را موجب تعزیر دانسته‌اند، در بعضی از کلمه حد استفاده ولی منظور تعزیر است و در عده ای دیگر از کلمه تعزیر و حد استفاده نشده ولی مترادف آن (ادب، تأدیب، عذاب، تعذیب) به کار گرفته شده است.

### ۳-۲-۳) مفهوم تعزیر نزد فقها

در این قسمت باید مفهوم تعزیر نزد فقهای شیعه و اهل سنت بررسی شود. تعزیر در اصطلاح فقهی به معنای عملی است که موجب وجوب مجازات تعزیر می‌شود و این مجازات از حد کمتر است (اقبال، ۱۹۹۳، م: ۲۵). در فقه تعاریف مختلفی از تعزیر بیان شده است. تعزیر به حسب شرع عقوبت یا اهانتی است متعلق به جماعتی که گناہانی که مستوجب حدّ نیستند مرتکب شده باشند (شریفی اشکوری، ۱۳۸۱: ۲۶۲/۱۰). برخی از فقها با استناد به حدیث امام صادق (ع) در تعریف تعزیر گفته‌اند: تعزیر یعنی تأدیب با شلاق که کمتر از چهل ضربه و آن حد مملوک (برده) است (علامه حلی، ۱۴۱۹، ق: ۹/۱۹۷؛ فاضل هندی، بی تا: ۵۰۶/۱۰). برخی تعزیر را بیست و پنج ضربه شلاق دانسته‌اند (مقدس اردبیلی، بی تا: ۳۵۲/۱۳). برخی نیز بدون تعیین اندازه تعزیر نوشته‌اند: تعزیر از حقوق الهی است و مجازات یا نکوهشی است که از طرف شرع تعیین نشده است (شهیدثانی، ۱۴۱۹، ق: ۱۴/۴۵۶). اصولاً تعزیر هرگونه عملی است که اثر بازدارنده در مجرم و دیگران

<sup>۱۱</sup> «ان رجلا قال له: ان هذا زعم انه احتلم بامی فقال: ان اللحم بمنزله الطلّ، فان شئت جدت لك ظلّه ثم قال: لکنی اؤدبه لئلا يعود یؤدّی المسلمین».

داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۱/۱۶۳). بر این اساس تعزیر را می‌توان عملی بازدارنده دانست که به موجب آن فرد خاطی مستحق مجازات، تأدیب و عقوبت است.

## ۲) قاعده التعزیر لکل عمل حرام

قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» از قواعد فقهی مسلم است و فقهای مختلفی به تبیین و بررسی آن پرداخته‌اند که بر اساس آن برای هر عمل حرام و تخلفی مجازات و تعزیری در نظر گرفته شده است. برخی قاعده را به ترتیب دیگری عنوان نموده و با تعابیر مختلفی از این قاعده تعبیر نموده‌اند؛ نظیر: «التعزیر لکل معصیه کبیره» (طبسی، بی‌تا: ۴۹/۱)، «التعزیر لکل عمل محرّم» (یزدی، ۱۴۰۶ق: ۴/۱۹۵)، «التعزیر لکل معصیه لم یرد فیها حد» (روحانی، بی‌تا: ۵۰/۲۶)، «التعزیر لکل معصیه کبیره حسبما یراه الحاکم الشرعی» (خوئی، ۱۳۹۶ق: ۷۲/۲)، «التعزیر فی الکل موکول الی نظر الحاکم» (جزائری، بی‌تا: ۸۱/۱)، «التعزیر بکلّ ما یرکّبه المواجه» (فقعانی، ۱۴۱۸ق: ۱/۳۰۱)، «التعزیر علی کلّ ذنب» (کلپایگانی، بی‌تا: ۱۵۳/۲). که قدر جامع و قدر متقین همه آنها گناه و عمل خلاف است که حدی برای آن در شرع تبیین نشده و نوع مجازات در آن موکول به نظر حاکم شرع شده است.

## ۲-۱) تعزیرات منصوص و غیر منصوص و جایگاه خودکشی:

در احکام جزایی اسلام، احکامی وجود دارد که در عین تعزیری بودن، میزان مجازات در آنها از ناحیه‌ی معصوم علیه السلام معین شده است. فقیهان باب مستقلی را به این دست تعزیرات اختصاص نداده‌اند؛ هرچند که در کتاب‌های فقهی به صورت پراکنده و در ابواب مختلف به تناسب موضوع با استناد به روایات موجود به آنها اشاره نموده‌اند. تعیین میزان مجازات در تعزیرات منصوص مایه‌ی تشتت آرا فقیهان در احصاء و شمارش پاره‌ای از مجازات‌ها به عنوان حد یا تعزیر شده است. برای نمونه فقیهی همچون محقق حلی در جایی ارتداد را از جرایم تعزیری دانسته (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۳۶/۴). ولی فقیهان دیگر ارتداد را از زمره‌ی جرایمی حدی می‌دانند. اما تعزیرات غیر منصوص به آن دسته از تعزیرات گفته می‌شود که مقدار مجازات آنها در شرع مشخص نشده است. رایج‌ترین معیار در تفکیک حد و تعزیر، معین یا نامعین بودن میزان مجازات است. اما در خصوص خودکشی این مساله به چه نحو است آیا مجازات خودکشی جز تعزیرات منصوص محسوب شده یا غیر منصوص و به نوعی حکومتی قلمداد می‌شود؟ برای پاسخ می‌بایست نظریاتی در خصوص فقهی یا حکومتی بودن تعزیرات بیان کرد.

## الف) نظریه فقهی بودن میزان مجازات در تعزیر منصوص: براساس این نظریه تعزیرات

منصوص دارای ویژگی‌هایی همچون ابدی و ازلی بودن هستند، همچنین کلی بودن این خطاب‌ها را می‌توان از خصیصه‌ها و ویژگی‌های این دسته از روایات دانست. طبق این نظریه تعیین میزان مجازات در

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التَّزْيِيرُ لِحُلِّ عَمَلٍ حَرَامٍ» در حقوق ایران، با رویکردی بر فقه اسلامی / ۹۴

تعزیرات منصوص نیز مانند تشریح تعداد رکعات نماز، توقیفی بوده و حکمی فقهی و ابدی محسوب خواهد شد. این همان دیدگاهی است که اکنون در قانون مجازات اسلامی پذیرفته شده است.

ب) نظریه‌ی حکومتی بودن تعیین میزان مجازات: بر اساس این نظریه، حکم حکومتی و تدبیری دانستن میزان مجازات در تعزیرات منصوص احتمال بعیدی به نظر نمی‌رسد. شمارگان احکام حکومتی در میان روایات مربوط به مسائل جزایی، کم نیست. احکام حکومتی، تصمیماتی است که ولی در سایه‌ی قوانین شریعت و رعایت موافقت آن‌ها بر حسب مصلحت زمان اتخاذ می‌کند و طبق آن مقرراتی وضع نموده و اجرا می‌نماید. این مقررات وضعی قابل تغییر هستند و در ثبات و بقاء تابع مصلحتی هستند که آنها را بوجود آورده است و چون پیوسته زندگی جامعه انسانی در تحول و روبه‌تکامل است، طبعاً این مقررات تدریجاً تغییر و تحول پیدا کرده، جای خود را به بهتر از خود خواهند داد (طباطبائی، ۱۳۸۷: ۱۹۱). بنابراین مصلحت‌مداری، گستردگی حوزه‌ی شمول بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی تغییر و تبدیل‌پذیری را می‌توان از خصایص و ویژگی‌های احکام حکومتی دانست. نظریات دیگری نیز در این خصوص وجود دارد که خارج از بحث این نوشتار است. حال با توجه به مطالب بیان شده در خصوص خودکشی و معین کردن مجازات در خصوص آن و با توجه به کلیه‌ی مطالبی که در این نوشتار به آن اشاره شد می‌توان چنین بیان داشت که میزان مجازات خودکشی را می‌بایست جز مجازات‌های تعزیری حکومتی دانست که میزان آن بسته به نظر حاکم در عصر ما می‌بایست بیان گردد و در واقع به دلیل نظریات بیان شده در کلام فقها در این نوشتار مجازات خودکشی را می‌بایست در دسته تعزیرات غیرمنصوص (حکومتی) دانست.

### ۳) مجازات خودکشی در فقه و حقوق

در ابتدا به بیان حکم خودکشی در عناوین چهارگانه احکام تکلیفی پرداخته و سپس به بررسی انواع خودکشی و حکم آن در فقه و سپس به بررسی حکم قانونی خودکشی خواهیم پرداخت.

#### ۱-۳) حکم خودکشی نزد فقهای شیعه

فعل خودکشی در دین مبین اسلام عملی حرام محسوب می‌شود و در اینکه این عمل بوسیله خود شخص و یا به کمک فرد دیگر تحقق پیدا کرده باشد (از جهت حرمت) تفاوتی نیست. و این حرمت به واسطه ادله فقهی یعنی؛ قرآن و روایات ثابت شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «...وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (نساء: ۲۹ و ۳۰)؛ و خودتان را مکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است و هر کس از روی تجاوز و ستم چنین کند به زودی وی را در آتشی درآوریم و این کار بر خدا آسان است. خداوند در این آیه خودکشی را تحریم نموده است. علامه در تفسیر آیه می‌نویسد: منظور از اینکه خود را نکشید به قرینه‌ی آیه‌ی قبل

یعنی کشتن خود و دیگران حرام و از گناهان کبیره‌ای است که پاداش آن عذاب آتش جهنم است (طباطبایی، ۱۳۷۴/۴: ۵۰۶؛ مغنیه، ۱۳۷۸/۲: ۴۸۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳/۳۵۶).

در مجمع البیان، در تبیین معنای این جمله چندین قول مطرح شده است: ۱- با کسانی که قدرت مقابله با آنان را ندارید نجنگید تا کشته نشوید. ۲- یکدیگر را نکشید، زیرا شما پیرو یک آیین و مانند یک روح هستید. ۳- انسان نباید خود را به قتل برساند، چنان که برخی از افراد نادان در حال خشم و بی‌قراری دست به خودکشی می‌زنند (طبرسی، ۱۳۷۵/۱: ۵۸۸) ۴- یکدیگر را مکشید زیرا شما پیرو یک دین هستید و همچون یک جان شمرده می‌شوید. چنان که می‌خوانیم: فَسَلِّمُوا عَلٰی اَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ (نور: ۶۱): بر خودتان سلام کنید که درودی است از سوی خدا (حسن، عطا، سدی و جبایی بر این عقیده‌اند). ۵- انسان را از خودکشی در حال غضب و ناراحتی منع کرده است. ۳- با ارتکاب گناهان و ایجاد دشمنی در اکل مال به باطل، اسباب هلاک خویش را فراهم مسازید و خود را مستوجب عقاب نکنید. ۴- از امام باقر (ع) روایت شده است که: خود را به خطر می‌فکنید و با کسانی که از شما نیرومندترند مجنگید (طبرسی، بی‌تا: ۱۱۵/۵). خداوند در آیات متعدد دیگری از قرآن کریم به حرمت قتل نفس و قتل دیگری اشاره نموده است. در برخی تنبه به رحمت و رأفت خود داده و از طرفی برای کسانی که این عمل را انجام می‌دهند، وعده‌ی عذاب داده است. از جمله این آیات می‌توان به: آیه ۹۳ سوره نساء، آیه ۳۲ سوره مائده، آیه ۱۵۱ سوره انعام، آیه ۳۱ و ۳۳ سوره اسراء، آیه ۸۴ و ۸۵ سوره بقره، آیه ۱۲ سوره ممتحنه و... اشاره نمود. امام صادق (ع) فرمودند: «هر کس عمداً خود را بکشد جایگاهش آتش جهنم و در آن جاودانه است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۳/۴۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۱۱۰/۱۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۶/۲۵۱). در فقه شیعه در مورد خودکشی می‌توان به دو قاعده استناد نمود؛ قاعده اول با عنوان: «کل ما أضرَّ بالبدن فهو حرام؛ هر آنچه سبب ضرر به بدن می‌شود، حرام است» (حسینی شیرازی، ۱۴۱۴ق: ۱/۲۱۲). قاعده دوم با عموم خود دلالت بر حرمت خودکشی دارد. این قاعده با عنوان «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام»؛ در اسلام هیچ‌گونه ضرر دیدن و ضرر رساندن نیست، می‌باشد (نراقی، ۱۴۰۸ق: ۱/۱۹؛ عدّه من الأفاضل، ۱۴۱۵ق: ۱/۱۸۱؛ نمازی، ۱۴۰۵ق: ۶/۴۵۶).

فقها در مورد نفی و نهی اضرار به بدن با توجه به قواعد فوق نظرات خود را ابراز داشته‌اند.

شیخ انصاری در این باره می‌نویسد: «مراد از نفی ضرر، به معنای نهی از هرگونه اضرار به نفس خود یا دیگری است، فلذا ضرر به خود و دیگری حرام است» (شیخ انصاری، ۱۴۱۹ق: ۲/۴۶۱؛ شیخ انصاری، بی‌تا: ۱/۵۳۵) طبق حدیث مفهوم از نفی ضرر، اراده نهی از ضرر است، فلذا حکم وضعی است نه تکلیفی، چراکه این نهی زائد بر تحریم فساد است و استدلال در بسیاری از روایات بر حکم وضعی بدون نهی در

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التَّزْيِيرُ لِلْعَلِّ حَرَامٌ» در حقوق ایران، با رویکردی بر فقه اسلامی / ۹۶

تکلیف محض است اما برخی از فقها در رد این نظر نوشته‌اند اگر حکم را وضعی در نظر بگیریم و منظور از نفی در این موارد را نهی بدانیم منافات با نص قاعده دارد و فتوا به نفی حکم وضعی است نه به مجرد تحریم اضرار و همچنین منافات با ادله عقلی و نقلی تحریم اضرار به نفس در حالت کلی دارد (مدنی تبریزی، ۱۴۰۳ق: ۳۲۶/۵؛ فیروز آبادی، ۱۳۸۵ق: ۳۱۱/۴). در برداشت از این قاعده می‌توان به نظر برخی از فقها استناد نمود که بین احکام تکلیفی و وضعی ارتباط نزدیکی وجود دارد و در کنار هر حکم وضعی، احکام تکلیفی نیز وجود دارند (صدر، ۱۳۹۵ق: ۱۰۰/۱) بنابراین فارغ از وضعی یا تکلیفی بودن حکم قواعد ذکر شده می‌توان گفت ماهیت حکم حرمت بر عمل اضرار به نفس ثابت است و در نتیجه خودکشی به عنوان یکی از مصادیق بارز ضرر به نفس، حرام شرعی و عقلی است. بسیاری از فقها همچون شیخ طوسی دفع ضرر از نفس خود را به حکم عقل واجب می‌دانند، اگر طبق حکم عقل، دفع ضرر از نفس واجب است، لازمه‌اش این است که وارد کردن ضرر بر نفس حرام باشد، چراکه اگر جایز باشد، وجوب دفع ضرری که متوجه نفس است، معنا و مفهومی ندارد (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۲۷۹/۷؛ حکیم، بی‌تا: ۴۷۴/۵؛ جواهری، بی‌تا: ۴۹۶/۲؛ بحر العلوم، بی‌تا: ۳۵۷/۳؛ ایروانی، ۱۴۳۲ق: ۱۱۰/۲). برخی فقها نیز در باب آکل سَم و حرمت آن به دلیل اضرار به نفس، حکم بر حرمت ضرر به نفس خود و وجوب حفظ نفس از نابودی داده‌اند (طوسی، ۱۴۰۸ق: ۳۶۳/۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۱۷۶/۳؛ قطان حلی، ۱۴۲۴ق: ۴۳۲/۲). در مورد حکم خودکشی نزد عقل باید گفت؛ حکمی که نزد شرع ثابت باشد عقل نیز این حکم را تأیید می‌کند و همچنین حکمی که نزد عقل ثابت باشد شرع نیز آن را تأیید می‌نماید و نوعی ملازمه بین آراء این دو وجود دارد و قاعده‌ای که از آن به دست آمده و فقها به آن استناد می‌کنند همان قاعده «کلّ ما حکم به العقل، حکم به الشرع و کلّ ما حکم به الشرع، حکم به العقل» است (مظفر، ۱۳۷۰: ۲۲۰/۱؛ شیخ انصاری، بی‌تا: ۲۴۰/۱؛ سبزواری، ۱۴۱۷ق: ۴۳/۲). بر این اساس با توجه به آنچه که در ادله فقهی؛ کتاب و سنت مطرح گردیده، خودکشی فعلی حرام است و فقها نیز آرای خود را در حرمت قطعی اضرار به نفس و مصداق اثم آن یعنی خودکشی اعلام حرمت نموده‌اند. لذا از یک طرف آن چیزی که شرع به آن حکم می‌کند حرمت است و عقل به قاعده ملازمه این حرمت را تأیید می‌کند و از طرف دیگر القاء نفس در هلاکت و خودکشی هم فطرتاً و هم عقلاً قبیح است. به عنوان مثال کودکی که از نظر عقل رشد و نمو کافی نیافته، از خطراتی که باعث آسیب به جسم وی می‌شوند تا حدودی اجتناب می‌کند یا هنگامی که جسمی به سمت چشم پرتاب می‌شود، یا جسم به شیء داغ نزدیک گردد، عکس العمل فطری و غریزی بدنبال دارد. نه تنها در این موارد، بلکه عقل بما هو عقل به عنوان قوه تشخیص و تمییز امور، ضرر رساندن به بدن و خودکشی را قبیح می‌داند و از آن اجتناب می‌کند.

البته در طرح حکم درباره خودکشی یا اقدام به آسیب به خود، می‌بایست تا تمامی جوانب امر را سنجید و علت‌یابی نمود که آیا در زمان انجام عمل، قوای عاقله انسانی در چه وضعیتی قرار داشته است؟ و یا زمینه‌های این عمل به چه صورتی بوده که موجب عدم کارکرد صحیح این قوه شده است. در یک تقسیم‌بندی فقهی حقوقی کشته شدن و یا آسیب‌های وارده بر انسان به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- قتل از روی عمد: در تعریف این نوع مرگ می‌توان گفت منظور از قتل عمد آن است که قصد کشتن وجود دارد، اگرچه از ابزار غیرکشنده جهت این کار استفاده شود. به عبارت دیگر شخص هم قصد فعل کشتن و هم قصد نتیجه بر روی مجنی علیه مورد نظرش را دارد هر چند این کار بوسیله ی ابزار نادر صورت گرفته باشد.
- ۲- قتل شبه عمد: در تعریف این قتل آمده است: قتلی است که قصد فعل توسط انجام دهنده وجود دارد ولی قصد نتیجه بر آن مجنی علیه خاص وجود ندارد که مصادیق آن در مباحث فقهی و حقوقی به کرات موجود است.
- ۳- قتل خطایی: قتلی است که قصد فعل و قصد نتیجه و قصد نتیجه بر روی مجنی علیه خاص در آن وجود ندارد.

مورد خودکشی در فقه از مورد سوم نیست و در مورد اول نیز وقتی از قتل عمد صحبت می‌شود، منظور کشتن شخص دیگری است و نه کشتن خود، پس در کشتن شخص دیگر به حکم فقهی بر اساس قصاص و دیات، حدود و تعزیرات مورد آن در حکم متفاوت است. اما در مورد دوم می‌توان خودکشی را به گونه‌ای با این مورد مرتبط دانست؛ در جایی که شخصی بخواهد به منظور ترساندن یا تأدیب دیگران اقدام به خودکشی کند و در این صورت فقه در حیطه تعزیرات می‌تواند با آن برخورد نماید که تعیین حکم آن شخص به عهده حاکم شرع است. البته در این خصوص موادی در قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات به آن اشاره است که چنانچه عملی برهم زننده ی نظم عمومی در جامعه باشد مجازات قانونی در پی خواهد داشت که یکی از مصادیق آن می‌تواند اظهار به خودکشی باشد. برای نمونه در ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات آمده است «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. علاوه بر این در ماده ۶۱۸ قانون فوق آمده است که «هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیرمعارف به افراد

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التَّغْرِيزُ لِلْعَلِّ عَمِلٍ حَرَامٌ» در حقوق ایران، با رویکردی بر فقه اسلامی / ۹۸

موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. برای نمونه می توان حالتی را برای بیان مصداق این مساله بیان کرد و آن حالتی است که شخصی در یک مکان عمومی خود را به نیت خودکشی، از مکان بلندی پایین اندازد یا دست به خود سوزی خود بزند و بنا به عللی زنده بماند در این صورت و بر اساس مواد فوق امکان جرم انگاری چنین عملی وجود خواهد داشت.

اما در موردی که شخص قصد خودکشی دارد چهار حالت متصور است؛

(۱) شخص برای خودکشی از دیگری استمداد کند یا با تهدید و ارعاب بخواهد نتیجه بگیرد، مثلاً در جایی که شخصی می گوید: "مرا بکش و گرنه تو را می کشم" در اینکه آیا جایز است شخص را کشت یا نه؟ از نظر حکم تکلیفی جایز نیست، اگر چه بر این کار اکراه شده است، زیرا اکراه، حرمت قتل را از بین نمی برد و از نظر حکم وضعی یعنی ثبوت حق قصاص با دیه برای اولیای مقتول، اذن به قتل، حق قصاص را ساقط نمی کند، زیرا آن گونه که اذن انسان به اتلاف اموال، ضمان را در آنها ساقط می کند، برای از بین بردن خود چنین تسلطی وجود ندارد تا بتوان با اذن خود به اتلاف، ضمان را ساقط کند (اسلامی تبار و الهی منش، ۱۳۸۶: ۲۰۸).

(۲) شخص بخواهد خودکشی کند و یا با نیت خودکشی آگاهانه خود را در فرآیندی قرار دهد که به احتمال زیاد نتیجه آن مرگ است، اگر این اقدام انجام شد و شخص زنده بازگشت و یا تنها دچار نقص عضو گردید، در این صورت بر اساس ادله فقهی عمل حرامی را مرتکب شده است. زیرا حفظ جان واجب بوده و اقدام به این کار عذاب آخری را به دنبال خواهد داشت. اما آیا در اینگونه موارد مجازاتی برای فرد خاطی پیش بینی شده است؟ با توجه به اینکه این عمل بیشتر بر اساس نیت فرد صورت می گیرد و احراز نیت نیز در موارد این چنینی کمتر مورد توجه قرار می گیرد، لذا برخورد با چنین افرادی بر اساس قوانین فقهی در حدود، قصاص، دیات و تعزیرات بررسی نشده است.

(۳) شخص قصد خودکشی دارد اما برای این کار تنها اقدام به انجام عملی می کند که بدون نیاز به ورود به فرآیندهای مختلف، با استفاده از ابزار خاص یا قرار گرفتن در مکان خاص سبب تسریع در جان دادن خود می کند. در چنین مواردی و در صورت عدم موفقیت وی در خودکشی، آیا در فقه برای چنین مواردی مجازات تعیین شده است؟

(۴) چهارم اکراه بر خودکشی است، اگر شخصی به شخص دیگر فرمان دهد که خودکشی کند اگر مامور کودک غیرممیز یا دیوانه باشد، اکراه کننده قصاص می شود (شهیدثانی، ۱۴۱۹ق: ۸۵/۱۵) و اگر شخص بالغ



باشد مباشر قصاص می‌شود و آمر برای همیشه زندانی می‌شود تا بمیرد (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۱۴۷/۵). اگر اکراه در کمتر از قتل نفس باشد؛ اکراه‌کننده قصاص می‌شود (ذهنی تهرانی، ۱۳۷۳: ۲۵۶/۴). در مورد دوم و سوم به دلیل شباهت و همپوشانی این دو مورد در بعضی از جنبه‌ها، فقه تنها به حرمت این عمل و مجازات آخروی آن اشاره نموده است. اما به صورت فی الجمله می‌توان گفت با توجه به اینکه شخص مرتکب عمل حرامی شده و برای این عمل مجازاتی در حوزه حدود، قصاص و دیات پیش‌بینی نشده است، در صورت احراز نیت خودکشی می‌توان بر اساس اینکه این عمل نوعی گناه کبیره است و به دلیل قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» برای آن و با توجه به وضعیت روحی و روانی شخص و صلاح‌دید حاکم شرع مجازات تعزیری مشخص نمود که این مجازات می‌تواند بسته به وضعیت شخص، از نوع تنبیه بدنی، زندانی شدن، تحت نظر اطباء بودن، ارجاع به دارالمجانین، ارجاع به کارشناسان مذهبی و... متفاوت باشد.

### ۲-۳) حکم خودکشی نزد فقهای اهل سنت

در منابع روایی از اهل سنت نقل است که پیامبر (ص) فرمودند: «کسی که به وسیله آهن خودکشی کند، با آهن پاره‌ای به دست، وارد آتش جهنم می‌گردد و کسی که با خوردن سم خودکشی کند، سم در دست به آتش جهنم انداخته می‌شود و کسی که خود را با پرت کردن از کوه به قتل برساند، پس به آتش جهنم پرت می‌شود و در آن تا ابد خواهند ماند» (خازن، ۱۴۱۵ق: ۱/۳۶۶؛ سائیس، ۲۰۰۲م: ۱/۲۷۳). در فقه اهل سنت آمده است که کسی که خودش را بکشد مرتکب گناه کبیره شده و حکمش همانند حکم شخصی است که دیگری را کشته است چرا که جان ملک طلق شخص نیست که بخواهد هرگونه تصرفی در آن نماید و کسی که خودش را بکشد وعید شدیدی بر عذاب او داده شده است اما به موجب این اقدام شخص کافر نمی‌شود بلکه فقط شخص عاصی مرتکب کبیره است و اگر از لحاظ روحی مریض باشد حکم آن حکم شخص غیرمکلف است ولو اینکه خود را بکشد لذا معذور است و بر ولی واجب است که او را تنها نگذاشته و ملاحظه بیماری او را نماید (راجعی، بی تا: ۴۶/۱۴).

### الف) فقهای مالکی

از نظر فقهای مالکی، قتل نفس گناه کبیره‌ای است که هم ردیف شرک به خدا قرار دارد و شخص در صورت انجام این عمل خالد در آتش دوزخ خواهد شد (مالکی مصری، ۴۲۹ق: ۱/۴۶۱). در مورد حکم فقهی شخصی که خودکشی می‌کند آمده است انسان منطقی کسی است که خود را عمدتاً و از خطا به قتل نمی‌رساند زیرا این جرمی است از جانب او و لذا لیاقت چیز دیگری را ندارد (قاضی عبدالوهاب، ۱۴۲۰ق: ۲/۸۳۳). امام نباید بر کسی که خودکشی می‌کند نماز بخواند ولی مردم می‌توانند بر او نماز

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التَّعْزِيرُ لِلْعَمَلِ حَرَامٌ» در حقوق ایران، با رویکردی بر فقه اسلامی / ۱۰۰

بخوانند (ابن رشد قرطبی، ۱۴۰۸ق: ۲/۲۴۰) چراکه شخصی که خود را می‌کشد همانند ولدالزناست و نماز باید توسط مردم پایین‌تر از امام بر او خوانده شود (ابن برادعی مالکی، ۱۴۲۳ق: ۱/۳۳۷) و دلیل اینکه حتماً باید به چنین شخصی نماز خوانده شود این است که گرچه قتل نفس از کبائر است اما این کبیره مانع از احیای سنت واجب نمی‌شود (ابن عبد البر قرطبی، ۱۴۰۰ق: ۱/۲۸۰؛ أصبحی المدنی، ۱۴۱۵ق: ۱/۲۵۴). برخی گفته‌اند برای کسی که خود را عمداً یا خطا می‌کشد دیه‌ای نیست نه بر ذمه خود از مالش و نه بر دیگری همچون عاقله (ابن الجلاب مالکی، ۱۴۲۸ق: ۲/۱۹۶). برخی نیز گفته‌اند به نظر جمهور علما در قتل نفس هیچ‌گونه دیه‌ای نیست نه بر ذمه شخص و نه بر ذمه عاقله او (مالکی مصری، ۱۴۲۹ق: ۸/۱۶۸). برخی گفته‌اند بر شخصی که خودکشی می‌کند و زنده می‌ماند واجب است که توبه نماید چراکه توبه همانند پیراهنی است که عیوب و عورت را می‌پوشاند (میاره مالکی، ۱۴۲۹ق: ۱/۵۴۸). برخی نیز می‌گویند دیه در خودکشی ساقط است ولی شخصی که خودکشی می‌کند را باید تادیب نمود و شاید بتوان حکم یک سال حبس و صد ضربه شلاق را که حکم کسی است که مرد کافری را بکشد بر او نیز جاری کرد (دسوقی مالکی، بی تا: ۴/۲۸۷).

### ب) فقهای شافعی

از نظر شافعی‌ها نیز خودکشی ذنب لایغفر است و از پیامبر (ص) نقل کردند که فرمود کسی که خودکشی کند در روز قیامت می‌آوردنش درحالی که بین دو چشمش نوشته شده مایوس از رحمت الهی همچنین در نقل از پیامبر (ص) دارند که فرمود کسی که خودش را با چیزی در دنیا بکشد در قیامت در عذاب دائمی است (شافعی، ۱۴۱۰ق: ۴/۶). درباره حکم کسی که خودکشی می‌کند آورده‌اند که در صورت زنده ماندن بر او دادن کفاره واجب است و اگر بمیرد غسل و نماز میت ندارد (عمرانی شافعی، ۱۴۲۱ق: ۱۱/۴۲۱ و ۳/۸۶؛ غمراوی، بی تا: ۱/۵۰۶). البته برخی همانند نووی گفته‌اند کسی که خودش را بکشد غسل و نماز میت دارد (نووی، بی تا: ۵/۲۶۷). برخی گفته‌اند در پاسخ به این سوال که آیا کفاره برای کسی که خودکشی کرده واجب است یا خیر؟ می‌گویند دو قول است اول اینکه خیر واجب نیست چون اقدام به خودکشی موجب ضمان نیست و قول دوم که صحیح‌تر است کفاره واجب است و میزان آن باید از ترکه خارج شود چراکه قتل نفس همانند قتل دیگری حرام است (رافعی قزوینی، ۱۴۱۷ق: ۱۰/۵۳۶) برخی گفته‌اند اگر کسی خودش را بکشد اگر عمد باشد خونس هدر است و دیه‌ای ندارد ولی اگر این مردن از روی خطا بوده واجب است پرداخت دیه او بر عاقله‌اش برای تامین هزینه برای قضاء دیونش و انجام وصیتش (انصاری، بی تا: ۵/۹؛ رافعی قزوینی، ۱۴۱۷ق: ۱۰/۴۹۵). در مورد زنی که خودش را بکشد نوشته‌اند مهر ساقط نمی‌شود اما کنیزی که خودش را بکشد مهر ساقط است (نووی، بی تا: ۱۶/۳۵۰؛ دَمیری شافعی، ۱۴۲۵ق: ۷/۲۸۴). آنچه که فقهای

شافعی در بحث کفاره در خصوص شخصی که دست به خودکشی زده مشابهت با جزای نقدی در حقوق فعلی کشور ما دارد.

### ج) فقهای حنفی

در مورد خودکشی فقهای حنفی ذکر کرده‌اند که خودکشی اکبر کبائر بعد از کفر به خدای متعال است (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق: ۵۲۹/۶) و برخی از فقهای حنفی گفته‌اند اگر کسی در خانه‌اش کشته شده یافت شود پس دیه‌اش بر عهده‌ی عاقله می‌باشد تا برای وراثت باقی گذارند همچنین است حکم کسی که خود را مجروح نماید به جرحی که سبب مرگش شود اگرچه قتل نفس هدر دادن خون است (ابن مودود موصلی، ۱۳۵۶ق: ۵۸/۵). در مورد زنی که خودش را بکشد نوشته‌اند مهر ساقط نمی‌شود اما کنیزی که خودش را بکشد مهر ساقط است (ابن نجیم، بی تا: ۲۱۳/۳؛ حدادی حنفی، ۱۳۲۲ق: ۱۳/۲). در مورد اینکه آیا بر جسد کسی که خودکشی کرده آیا نماز می‌خوانند و او را غسل می‌دهند برخی گفته‌اند چنین شخصی همانند بغاه بوده و غسل و نماز ندارد (حدادی حنفی، ۱۳۲۲ق: ۱۱۲/۱) اما بر خلاف نظر قبل برخی معتقدند شخصی که خودکشی کرده مرتکب کبیره شده اما مسلمان بوده لذا غسل و نماز دارد (حصکفی حنفی، ۱۴۲۳ق: ۱۱۹/۱). در مورد کسی که از خوردن و آشامیدن امتناع می‌کند تا بمیرد گفته‌اند جهنم بر چنین شخصی واجب است چرا که چنین شخصی همانند کسی است که خود را با آهن می‌کشد و پیامبر (ص) در این باره فرمودند هر کس خودش را با آهن بکشد جهنم بر او واجب می‌شود (سرخسی، ۱۴۱۴ق: ۲۶۶/۳۰).

### د) فقهای حنبلی

برخی گفته‌اند اینکه امام نباید بر شخصی که خودکشی کرده نماز بخواند مراد عدم استحباب است نه حرمت و علت این هم به خاطر این است که شخصی که خودش را می‌کشد مرتکب کبیره شده است (مرداوی حنبلی، بی تا: ۵۳۵/۲) اما برخی گفته‌اند کسی که خودش را به قتل می‌رساند نماز میت بر او خوانده نمی‌شود (سلمان، بی تا: ۲۶۹/۱؛ ابن تیمیة حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۰۱/۱؛ کلوزانی، ۱۴۲۵ق: ۱۲۲/۱). کسی که خودش را عمداً بکشد دیه‌اش بر عهده عاقله نیست ولی کسی که خودش را بر اساس خطا بکشد دیه‌اش به اندازه یک سوم دیه کامل است و به عهده عاقله می‌باشد (هاشمی بغدادی، ۱۴۱۹ق: ۴۵۱/۱). برخی نیز گفته‌اند کسی که خودش را عمداً یا خطا بکشد مرتکب حرام شده و زنده بماند کفاره بر او واجب است و دیه ندارد (خنفر، بی تا: ۵۹۳/۱؛ ابن قدامة مقدسی، بی تا: ۶۷۰/۹؛ فوزان، ۱۴۲۳ق: ۵۱۲/۲). برخی می‌گویند کسی که خودش را بکشد دیه‌اش بر عهده بیت‌المال نیست و کفاره کامل از مالش باید پرداخت شود (ابن مفلح حنبلی، ۱۴۲۴ق: ۴۲۵/۹؛ عاصمی حنبلی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۸/۷؛ بهوتی حنبلی، ۱۴۱۴ق: ۳۲۹/۳).

### ۳-۲) مجازات خودکشی در قانون

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التنزیه لکل عمل حرام» در حقوق ایران، با رویکردی بر فقه اسلامی / ۱۰۲

در قوانین داخلی اصل بر قانونی بودن جرم و مجازات است و هر جرمی که در قانون به آن پرداخته و جرم‌انگاری شده باشد قابلیت پیگیری دارد. خودکشی یا خودزنی در قوانین ایران جرم‌انگاری نشده؛ در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و اصلاحات آن در سال ۱۳۵۲ خودکشی جرم نبود فلذا در رویه معمول در محاکم قضایی در صورت اثبات خودکشی، قضات با صدور قرار موقوفی، تعقیب پرونده را بسته یا با قرار منع تعقیب به لحاظ جرم نبودن موضوع به بررسی پرونده خاتمه می‌دادند. در قوانین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ نیز در مورد جرم‌انگاری خودکشی هیچ‌گونه پیش‌بینی صورت نگرفته است. در قانون مدنی ماده ۸۳۶ در مورد وصیت کسی که خودکشی کرده آمده است: «هرگاه کسی به قصد خودکشی خود را مجروح یا مسموم کند یا اعمال از این قبیل که موجب هلاکت است مرتکب گردد و پس از آن وصیت نماید آن وصیت در صورت هلاکت باطل است و هرگاه اتفاقاً منتهی به فوت نشد وصیت نافذ خواهد بود». در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در ماده ۵۱ در مورد اینکه هر نظامی عمداً خودزنی به قصد اخاذی یا حيله یا تمارض نماید به مجازات معین در این قانون محکوم می‌گردد. با این توصیفات خودکشی در حقوق ایران عنوان یا حکم مجرمانه‌ای به خود نگرفته، اما در مورد معاونت در خودکشی، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ در بند ب ماده ۱۵ چنین می‌نویسد: «هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد: ... ب- چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود» همان‌طور که در نص این قانون مشخص است اگر این اقدامات از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صورت پذیرد چنین مجازاتی را در پی خواهد داشت، اما این ماده به تنهایی نمی‌تواند تمام جرایم مرتبط با خودکشی را پوشش دهد، لذا متناسب و ضروریست تا بر اساس اصل بیستم و بیست و دوم و سی و چهارم قانون اساسی، قوانین سنجیده‌ای در حفظ نفوس اشخاص تدوین گردیده و تمام جنبه‌های خودکشی مورد بررسی مقنن قرار گیرد. بر این اساس چنانچه شخصی اقدام به خودکشی کرده و این خودکشی ناموفق باشد، مناسب است تا این اقدام در محاکم قضایی به عنوان یک اقدام غیرمسئولانه و چه بسا مجرمانه تلقی شده و با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که مقرر داشته: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم

امتناع ورزد»، بر اساس قواعد فقهی همچون قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» اقدام به صدور حکم تعزیری متناسب از جهت حرام واقع شده نماید تا از سویی موجبات تنبه و اصلاح شخص گناهکار را فراهم سازد و از سویی دیگر نسبت به شیوع این عمل در جامعه اقدام پیشگیرانه به عمل آورد. در خصوص قابل گذشت یا غیر قابل گذشت بودن چنین عملی با توجه به مطالب پیش گفته این عمل را همان طور که گفته شد می توان براساس قاعده ی «التعزیر لکل عمل حرام» جرم انگاری نمود و تعیین تعزیر به دست حاکم شرع بوده؛ فلذا عمل مذکور جنبه ی عمومی داشته و به نظر غیر قابل گذشت می باشد و پیگیری آن با صدور کیفرخواست می تواند توسط دادستان قابل رسیدگی باشد. بنابراین امکان سنجی می توان برای عمل خودکشی ناموفق و عوامل مرتبط با آن مجازات‌ها و اقدامات تأمینی-تربیتی مناسبی با توجه به عمل صورت گرفته تعیین نمود که دایره این اقدامات می تواند؛ نصیحت به وسیله قاضی دادگاه، اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم، تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان، اقامت در منزل در ساعات معین شده توسط دادگاه، معرفی به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان، اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد فرد اقدام کننده به خودکشی (تحت نظر پزشک)، جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر با اشخاص به تشخیص دادگاه، جلوگیری از رفت و آمد به محل‌های معین، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا از دو تا پنج سال بر اساس سن شخص و نوع اقدام او، پرداخت جزای نقدی یا انجام خدمات عمومی رایگان، حبس طولانی مدت، تنبیه بدنی و... بر اساس مورد و مصداق آن متفاوت باشد.

### نتیجه

با توجه به حرمت خودکشی در فقه شیعه و اهل سنت و با استناد به ادله فقهی همچون؛ آیات و روایات و دلیل عقلی و استناد به نظرات فقها و قواعد فقهی موجود در این زمینه، گرچه در فقه مستقیماً به مجازات افراد در خودکشی ناموفق اشاره نشده است اما با استناد به قواعد فقهی می توان مجازات تعزیری مناسب با توجه به فرد و عمل صورت پذیرفته تعیین نمود که تعیین آن به دست حاکم شرع است. برخی از مذاهب فقهی اهل سنت همچون حنبلی‌ها و شافعی‌ها حکم به دادن كفاره داده‌اند و برخی همچون حنفی‌ها مجازاتی تعیین نکرده‌اند و برخی همچون شافعی‌ها مجازات تعزیری مشخصی تعیین نموده‌اند. در مورد بررسی این مسئله در قانون، به مجازات تعزیری داعی به خودکشی از طریق ابزار رسانه‌ای پرداخته شده ولی در قانون مجازات اسلامی این عمل جرم انگاری نشده، اما با استناد به اصل بیستم و بیست و دوم و سی و چهارم قانون مبنی بر اهمیت حیات هر فرد و حفظ آن و جامعه و وظیفه قاضی مبنی بر تلاش بر یافتن حکم در قوانین مدونه با استناد به منابع معتبر اسلامی، تعیین مجازات خودکشی بر اساس قاعده

## مجازات خودکشی (ناموتق) بر اساس قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» در حقوق ایران، بارویکردی بر فقه اسلامی ۱۴۰۴

«التعزیر لکل عمل حرام» امکان پذیر است و می‌توان افراد را بر اساس عمل ارتكابی به مجازات‌های تعزیری همچون: نصیحت به وسیله قاضی دادگاه، اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی و... ملزم نمود.

### منابع

#### قرآن کریم

۱. ابن الجلباب مالکی، (۱۴۲۸ق)، التفریع فی فقه، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲. ابن براءعی مالکی، (۱۴۲۳ق)، التهذیب فی اختصار المدونة، دبی: دارالبحوث للدراسات الإسلامیة وإحیاء التراث.
۳. ابن تیمیة حرانی، (۱۴۰۴ق)، المحرر فی الفقه علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل، ریاض: مکتبته المعارف.
۴. ابن رشد قرطبی، (۱۴۰۸ق)، البیان والتحصیل، بیروت: دارالغرب الإسلامی.
۵. ابن عابدین، (۱۴۱۲ق)، رد المحتار علی الدر المختار، بیروت: دارالفکر.
۶. ابن عبد البر قرطبی، یوسف بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، الکافی فی فقه أهل المدینة، ریاض: مکتبته الرياض الحدیثة.
۷. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. ابن قدامة مقدسی، عبدالرحمن بن محمد (بی‌تا)، الشرح الكبير علی متن المقنع، دار الكتاب العربی للنشر والتوزیع.
۹. ابن مفلح حنبلی، محمد (۱۴۲۴ق)، کتاب الفروع، مؤسسه الرساله.
۱۰. ابن مودود موصلی، عبدالله بن محمود (۱۳۵۶ق)، الاختیار لتعلیل المختار، قاهره: مطبعة الحلبي.
۱۱. ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم (بی‌تا)، البحر الرائق، بی‌جا: دارالکتاب الإسلامی.
۱۲. اسلامی تبار و الهی منش، شهریار و محمدرضا (۱۳۸۶)، مسائل اخلاقی و حقوقی در قتل ترحم آمیز، تهران: انتشارات مجد.
۱۳. إسماعیل صینی، محمود (۱۴۱۴ق)، المکنز العربی المعاصر، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۱۴. أشعث کوفی، محمد بن محمد (بی‌تا)، جعفریات (الاشعثیات)، تهران: مکتبه نینوی.
۱۵. أصححی المدنی، مالک بن أنس (۱۴۱۵ق)، المدونة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۶. انصاری، زکریا بن محمد (بی‌تا)، الغرر البهیة، بی‌جا: المطبعة المیمنیة.
۱۷. ایروانی، محمدباقر (۱۴۳۲ق)، دروس تمهیدیة فی القواعد الفقهیة، قم: دارالفقه للطباعة والنشر.
۱۸. آخوندی، علی (بی‌تا)، تهذیب الاحکام، بی‌جا.
۱۹. بحر العلوم، سید علاء‌الدین (بی‌تا)، مصابیح الأصول، دار الزهراء.
۲۰. بهوتی حنبلی، منصور بن یونس (۱۴۱۴ق)، دقائق، عالم الکتب.
۲۱. پناغی و غلام‌رضایی، لیلا و مریم (۱۳۹۰)، ارزیابی و مدیریت خودکشی، تهران: نارديس.

۲۲. پناغی و همکاران، لیلا (۱۳۸۷)، بررسی فراوانی خودکشی دانشجویی و ارتباط آن با خصوصیات جمعیت‌شناختی در سال‌های ۸۲-۸۶ در مراکز پزشکی قانونی سراسر کشور، همایش ملی پزشکی قانونی.
۲۳. جزائری، سید عبدالله (بی‌تا)، التحفة السنیة، بی‌جا.
۲۴. جواهری، محمدتقی (بی‌تا)، غایة المأمول، مجمع الفکر الإسلامی.
۲۵. حدادی حنفی، أبوبکر بن علی (۱۳۲۲ق)، الجوهرة النيرة، بی‌جا: المطبعة الخيرية.
۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
۲۷. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۱۴ق)، الفقه، القواعد الفقهیة، بیروت: المركز الثقافی الحسینی.
۲۸. حصکفی حنفی، محمد بن علی (۱۴۲۳ق)، الدر المختار شرح تنویر الأبصار وجامع البحار، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۹. حکیم، سید عبدالصاحب (بی‌تا)، منتقى الأصول، نجق اشرف: مطبعة الأمير.
۳۰. حمیری، عبدالله بن جعفر (بی‌تا)، قرب الاسناد، تهران: مکتبه نینوی.
۳۱. خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۲. خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰)، تفسیر خسروی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳۳. خنفر، حازم (بی‌تا)، الحاشیة العثمینیة علی زاد المستقنع، بی‌جا.
۳۴. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶ق)، مبانی تکملة المنهاج، قم: بی‌جا.
۳۵. دسوقی مالکی، محمد بن أحمد (بی‌تا)، حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير، بی‌جا: دارالفکر.
۳۶. دَمیری شافعی، محمد بن موسی (۱۴۲۵ق)، النجم الوهاج فی شرح المنهاج، جده: دارالمنهاج.
۳۷. دورکیم، امیل (۱۳۷۸)، خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
۳۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۹. ذهنی تهرانی، سید محمد جواد (۱۳۷۳)، عناوین الاحکام؛ ترجمه و شرح متن لمعه، قم: کتابفروشی وجدانی.
۴۰. راجحی، عبدالعزیز بن عبدالله (بی‌تا)، فتاوی منوعة، دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبکة الإسلامیة.
۴۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، لبنان، دارالعلم.
۴۲. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۱۷ق)، العزیز شرح الوجیز المعروف بالشرح الكبير، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۳. روحانی، سید محمد صادق (بی‌تا)، فقه الصادق، بی‌جا.
۴۴. سالیس، محمد علی (۲۰۰۲م)، تفسیر آیات الأحکام، المکتبة العصرية للطباعة و النشر.
۴۵. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۷ق)، تهذیب الأصول، بیروت: المنار.
۴۶. سرخسی، محمد بن أحمد (۱۴۱۴ق)، المبسوط، بیروت: دارالمعرفة.

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التنزیه للكل عمل حرام» در حقوق ایران، بارویکردی بر فقه اسلامی / ۱۰۶

۴۷. سلمان، عبدالعزیز بن محمد (بی تا)، الأسئلة والأجوبة الفقهية، بی جا.
۴۸. شافعی، محمد بن إدريس (۱۴۱۰ ق)، الأم، بیروت: دارالمعرفة.
۴۹. شریفی اشکوری، الیاس (۱۳۸۱)، فقرات فقهیه، قم: آل ایوب.
۵۰. شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۹ ق)، مسالک الأفهام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۵۱. شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ ق)، فرائد الأصول، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۵۲. شیخ انصاری، مرتضی (بی تا)، قاعدة لا ضرر و الید و الصحه و الفرعه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۳. شیخ انصاری، مرتضی (بی تا-ب)، مطارح الأنظار، قم: موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۵۴. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۵ ق)، المعالم الجدیة للأصول، تهران: مکتبه النجاج.
۵۵. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷)، معنویت تشیع، سپهر.
۵۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۵۸. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران: فراهانی.
۵۹. طبسی، نجم الدین (بی تا)، النفی والتغریب، بی جا.
۶۰. طوسی، ابن حمزه (۱۴۰۸ ق)، الوسیلة، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۶۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
۶۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰)، الاستبصار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۳. عاصمی حنبلی، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۹۷ ق)، حاشیه الروض المربع شرح زاد المستقنع، بی جا.
۶۴. عدة من الأفاضل (۱۴۱۵ ق)، الرسائل الأربع: قواعد أصولیه و فقهیه، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
۶۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق)، مختلف الشیعه، قم: موسسه نشر اسلامی.
۶۶. عمرانی شافعی، یحیی بن أبی الخیر (۱۴۲۱ ق)، البیان فی مذهب الإمام الشافعی، جده: دارالمنهاج.
۶۷. غمراوی، محمد (بی تا)، السراج الوهاج، بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر.
۶۸. فاضل هندی، محمد بن حسن (بی تا)، كشف اللثام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسین بقم المشرفه.
۶۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۷۰. فقعی، علی بن علی (۱۴۱۸ ق)، الدر المنضود، قم: مکتبه إمام العصر (عج) العلمیه.
۷۱. فوزان، صالح (۱۴۲۳ ق)، الملخص الفقهی، ریاض: دارالعاصمه.



## ۱۰۷/ مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره بیست و هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۸۴-۱۰۹

۷۲. فیروز آبادی، سید مرتضی (۱۳۸۵ق)، عنایة الأصول فی شرح کفایة الأصول، نجف اشرف: مطبعة النجف.
۷۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۷۴. قطان حلی، محمد بن شجاع (۱۴۲۴ق)، معالم الدین فی فقه آل یاسین دورة فقهیة کامله علی وفق مذهب الإمامیة، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۷۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۶. کلودانی، محفوظ بن أحمد (۱۴۲۵ق)، الهدایة، مؤسسه غراس للنشر والتوزیع.
۷۷. گلیپایگانی، سید محمد رضا (بی‌تا)، الدر المنضود، بی‌جا.
۷۸. مالکی مصری، خلیل بن إسحاق (۱۴۲۹ق)، التوضیح فی شرح المختصر الفرعی، مرکز نجیبویه للمخطوطات وخدمة التراث.
۷۹. قاضی عبدالوهاب، عبدالوهاب بن علی (۱۴۲۰ق)، الإشراف علی نکت مسائل الخلاف، دار ابن حزم.
۸۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۶ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۸۱. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۸۲. مدنی تبریزی، سید یوسف (۱۴۰۳ق)، درر الفوائد فی شرح الفرائد، قم: مکتبه بصیرتی.
۸۳. مرداوی حنبلی، علی بن سلیمان (بی‌تا)، الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸۴. مروج جزائری، سید محمد جعفر (بی‌تا)، منتهی الدراية، بی‌جا.
۸۵. مصطفوی، حسن (۱۴۰۸ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر.
۸۶. مظفر، محمد رضا (۱۳۷۰)، أصول الفقه، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۸۷. معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین، تهران: فرهنگ‌نما کتاب آراد.
۸۸. مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۸۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۹۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳)، تعزیر و گستره آن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

## مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التنزیه لکل عمل حرام» در حقوق ایران، بارویکردی برنقده اسلامی / ۱۰۸

۹۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق)، تعزیر و گستره آن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۹۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۹۴. منتظری نجفآبادی، حسین علی (۱۴۰۹ق)، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابوال، مبانی فقهی حکومت اسلامی، قم: مؤسسه کیهان.
۹۵. موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیة، قم: نشر الیهادی.
۹۶. میارء مالکی، محمد بن أحمد (۱۴۲۹ق)، الدر الثمین والمورد، قاهره: دارالحدیث.
۹۷. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، جواهرالکلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۹۸. نراقی، مولی أحمد (۱۴۰۸ق)، عوائد الایام، قم: الغدیر.
۹۹. نمازی، علی (۱۴۰۵ق)، مستدرک سفینة البحار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۰۰. نوری، میرزاحسین (۱۴۰۹ق)، مستدرک الوسایل، بیروت: موسسه آل البيت (ع).
۱۰۱. نووی، یحیی بن شرف (بی تا)، المجموع شرح المهذب، بیروت: دارالفکر.
۱۰۲. هاشمی بغدادی، محمد بن أحمد (۱۴۱۹ق)، الإرشاد، مؤسسه الرسالة.
۱۰۳. یزدی، سید مصطفی محقق داماد (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
104. Gullota, edited by Thomas P. (2002). The encyclopedia of primary prevention and health promotion. New York: Kluwer Academic/Plenum.
105. Hawton K, van Heeringen K (2009). "Suicide". Lancet. 373 (9672).
106. Kilgus M, Maxmen J, Ward N. (2019) Essential psychopathy & Its Treatment. 4th Edition. New York, Norton & Company ltd.
107. Krug, Etienne (2002). World Report on Violence and Health (Vol. 1). Genève: World Health Organization.
108. Oct 25]. Available from: URL: [http://www.who.int/mental\\_health\\_prevention/suicide/suicideprevent/en](http://www.who.int/mental_health_prevention/suicide/suicideprevent/en)
109. Stedman's medical dictionary (2006). Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins. ISBN 978-0-7817-3390-8.
110. World Health Organization. Suicide Preven on (SUPRE). [Cited 2008]

***Punishment of suicide based on rule of "ta'zir for all forbidden deeds" in Iranian law, tWith an approach to Islamic jurisprudence<sup>12</sup>***

mohamadhossein Daneshfar<sup>13</sup> Masoud Heidari<sup>14</sup> Mahmood Malmir<sup>15</sup> Mahmood Ashrafi<sup>16</sup>

***Abstract***

*Suicide is contrary to nature and is strictly forbidden in Islam. The main question of the research is the possibility of determining the ta'zir punishment for a person who commits unsuccessful suicide according to the rule of "ta'zir for all forbidden acts". In the law, only the punishment of the deputy for suicide through media and telecommunication tools has been dealt with, and the punishment of imprisonment from 91 days to 1 year or a fine from five million rials to twenty million rials or both punishments is considered for the offender. Considering that it is not criminalized in the Islamic Penal Code and according to Article 1 of the Penal Code and the twenty-twenty-second and thirty-fourth principles of the Constitution, it is possible to determine the punishment for suicide based on the rule of "ta'zir for all forbidden acts". The jurisprudence of the five religions can be determined as an appropriate punishment according to the person and the act performed. The present research has been done in a descriptive-analytical method and has found that individuals are punished with ta'zir punishments or appropriate security and training measures such as; Advice by the judge of the court, warning and warning or obtaining a written commitment sentenced not to repeat the crime, imprisonment, corporal punishment, etc.*

***Keywords:*** *Suicide: punishment: the rule of ta'zir for all forbidden acts: jurisprudence: law.*

---

<sup>12</sup>- Receive Date: 08 November 2020, Accept Date: 16 March 2021.

<sup>13</sup>- Ph.D. Student in (Criminal Law and Criminology), Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. [masoud\\_heidari2@yahoo.com](mailto:masoud_heidari2@yahoo.com)

<sup>14</sup>- Assistant Prof in Criminal Law and Criminology at Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. [masoud\\_heidari2@yahoo.com](mailto:masoud_heidari2@yahoo.com)

<sup>15</sup>- Associate Prof in Criminal Law and Criminology at Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. [dr.malmir1@gmail.com](mailto:dr.malmir1@gmail.com)

<sup>16</sup>- Assistant Prof in Criminal Law and Criminology at Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. [mahmood.ashrafy@yahoo.com](mailto:mahmood.ashrafy@yahoo.com)